

دانش آموختگان ماهر کجای بازار کار قرار دارند؟

اهمیت به‌روزرسانی مهارت برای کارجویان

است. همچنین در این وضعیت، کارجویان به‌ویژه دانش آموختگان برای حضور و استمرار اشتغال در کارهای تخصصی باید مهارت آموزی را به‌عنوان الزامی مداوم در نظر داشته باشند. این مهم به شرط به‌روزرسانی استانداردهای مهارتی توسط نهادهای متولی این بخش امکان پذیر است.



محقق می‌شود.سپه‌م۴۵درصدی دانش آموختگان دانشگاهی از بین مهارت آموزان و سهم ۳۸درصدی فارغ‌التحصیلان از مجموع بیکاران، نشانه‌ای دیگر از ارتباط نامتوازن دانشگاه، بازار کار و مهارت آموزی است.

نسخه نهایی مهارت

با وجود شکل‌گیری انقلاب مهارتی جهانی در سال‌های اخیر و تغییر مسیر و شتاب حرکت آموزش مهارت‌های فنی به سمت تحول فضای آموزش منطبق بر شرایط روز فناوری و تأثیرپذیری بازار کار از آن، نکته‌اساسی همراهی بااین جریان است. کارجویان، به‌ویژه دانشجویان و دانش‌آموختگان به‌عنوان بازیگران اصلی صحنه کار و تولید به شرط حفظ به‌روز مهارت‌ها در کنار دانش، امکان حضور در فضای کار را خواهند داشت.

وجود بیش از ۳میلیون و ۴۰۰هزار دانشجوی و سهم بالغ بر ۴۰درصدی فارغ‌التحصیلان از مجموع افراد بیکار جامعه را باید فرصتی جهت پیوند مهارت با دانش نظری و تربیت نیروی کار ماهر دانش‌آموخته برای ورود به بازار کار محسوب کرد. این مهم با تدوین و اجرای سیاست‌های مهارت‌محور و هماهنگی فضای کار، دانش و مهارت به‌روز ممکن است.

نزدیک به دو دهه دانشگاه‌ها با این رویکرد که دانشجویان پس از فارغ‌التحصیلی امکان جذب در بازار کار را دارند، اقدام به تربیت نیروی جوان در حوزه دانش کرده‌اند. برای تحقق این مهم حتی مراکز علمی کاربردی و دانشکده‌های تخصصی آموزش عالی و مراکز تولیدی و صنعتی تأسیس شده است. اما خلأ ارتباطی بین نهادهای آموزشی دانش‌محور و آموزش‌های فنی، خروجی مناسبی در اختیار بازار کار قرار نداده است.

این در حالی است که مراکز آموزش عالی و کارگاه‌های صنعتی و تولیدی هر کدام به‌صورت مجزا مکمل بخشی از فرایندهای علم آموزی، تولید و کسب‌وکار شناخته می‌شوند. در این شرایط حتی هماهنگی بین سیاست‌گذاران و مجریان مهارت آموزی، مراکز آموزش عالی، فعالان بازار کار و نیروی کار برای به‌روزرسانی مهارت تخصصی دور از انتظار است.

ترکیب دانش و مهارت، امکان ماندگاری در اشتغال را برای بیش از ۱۵میلیون نفر در فضای کارگاهی و بیش از ۲۴میلیون نفر شاغل حوزه‌های سه‌گانه صنعت، کشاورزی و خدمات، بیشتر می‌کند. اگر نیروی انسانی را بااثرگذار تولید و بهره‌وری بدانیم، افزایش حضور جمعیت‌فعال در رشد شاخص‌های تولید به شرط ارتباط دانشگاه و کسب‌وکار

ضرورت به‌روزرسانی مهارت‌های فنی و تخصصی به‌ویژه در حوزه فعالیت‌های بخش تولید، زمانی بیشتر مشخص می‌شود که ورود فناوری‌های جدید و تأثیرپذیری آن را در بازار کار مشاهده می‌کنیم. به‌عبارتی در شرایط کنونی حوزه کار و اشتغال، الزام به‌روزرسانی مهارت‌های تخصصی نیروی کار با فناوری روز گره خورده

به‌روزرسانی آن در محیط کار را جهت ایجاد تناسب دانش و مهارت با ضروریات روز حوزه کار، مهم ارزیابی می‌کنند. در این ارتباط، طرح «مهارت‌آموزی در محیط واقعی کار» در سال‌های اخیر در راستای تربیت و ارتقای مهارت‌های شغلی جوانان جویای کار ۱۵ساله و بالاتر بدون مهارت یا کم‌مهارت توسط سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای اجرایی شده است.

طبق آخرین داده‌های آماری سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای، حدود ۷۰درصد کارورزان طرح مهارت‌آموزی محیط واقعی کار در کارگاه‌های مربوطه جذب می‌شوند. این خروجی بیانگر تأثیرگذاری آموزش ضمن کار در بهبود فضای کسب‌وکار و عامل رشد برخی شاخص‌های بازار کار نظیر تعادل عرضه و تقاضای نیروی کار، تأمین نیروی کار برای بنگاه‌ها، افزایش اشتغال و کاهش نرخ بیکاری است. اینجانب نقش آفرینی کارفرمایان در حوزه ارتقای مهارت و رشد هم‌زمان بهره‌وری نیروی کار و چرخه تولید بیشتر مشخص می‌شود.

اشتغال دانش آموختگان ماهر

تأثیرپذیری گسترده بازار کار از موضوع مهارت و اثرگذاری افراد ماهر در فضای کسب‌وکار، شرایطی را موجب شده که کارفرمایان تمایل بیشتری به جذب نیروی کار ماهر داشته باشند. طبیعتاً در این وضعیت، نقش مهارت‌های فنی و تخصصی در اشتغال افراد حتی با داشتن مدارک بالای دانشگاهی غیرقابل انکار است. البته کارشناسان حوزه کار شرط به‌روزرسانی مهارت براساس نیاز بازار کار را رمز ماندگاری ماهران در شغل‌های موردنظر می‌دانند. طبق آمار، دانش آموختگان حدود ۴۵درصد متقاضیان مهارت‌آموزی را تشکیل می‌دهند و بخش قابل توجهی از آنان پس از گذراندن دوره‌های مربوطه جذب مراکز تولیدی می‌شوند. همین‌طور اشتغال حدود ۶۰درصدی افسراد آموزش‌دیده ماهر در سال ۱۴۰۱، اثرگذاری مهارت‌های فنی و تخصصی بر فضای اشتغال و کاهش بیکاری افراد تحصیل‌کرده را در قالب کارکردهای کارورزی نشان می‌دهد.

خلأ ارتباطی متولیان دانش و مهارت

ایجاد هماهنگی بین حوزه‌های مهارتی و تربیت نیروی کار ماهر با ضرورت‌های بازار کار، رشد فناوری و اثرگذاری آن بر فضای کسب‌وکار را باید از وظایف حاکمیتی و دستگاه‌های مرتبط با حوزه آموزش و تولید به‌شمار آورد.



قانون کار و قوانین عمومی موجود در کشور، به‌ویژه مقررات مرتبط با حوزه کار و تولید بر موضوع آموزش‌های مهارتی برای ارتقای بهره‌وری نیروی کار تأکید دارند. به‌گونه‌ای که براساس ماده (۱۰۸) قانون کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برحسب نیاز و باتوجه به استقرار نوع صنایع موجود در نقاط مختلف، موظف به اقدام جهت ایجاد و توسعه مراکز کارآموزی در سطوح مختلف مهارتی شده است.

در حوزه قوانین و مقررات فنی و مهارتی، به‌دلیل جریان مستمر تغییر و تحولات ناشی از فناوری و تأثیرپذیری بازار کار و تولید از این رویه، بازنگری مداوم و استانداردسازی مهارت‌ها براساس نیاز بازار کار و اشتغال یک اصل شناخته می‌شود. این روند امکان هماهنگی بازار کار، نیروی کار، موضوع مهارت و سیاست‌گذاری مهارتی متولیان مربوطه را فراهم می‌کند.

ارتباط متولیان آموزش‌های فنی

سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای در جایگاه متولی حوزه مهارت‌آموزی تنظیم و تدوین سیاست‌های حوزه مهارت، ارائه آموزش‌های فنی و تخصصی به‌واسطه مراکز دولتی و بخش خصوصی و به‌روزرسانی استانداردهای مهارتی را عهده‌دار است. همچنین بخشی از آموزش‌های حوزه مهارت و تلفیق آن با دانش روز دانشگاهی از طریق مراکز علمی و کاربردی، مراکز آموزش عالی و دانشکده‌های کارآفرینی به متقاضیان ارائه می‌شود. به این واسطه هماهنگی سیاست‌های آموزشی ارائه‌دهندگان دانش روز و مهارت‌های فنی با الزامات بازار کار و تولید جهت تأثیرگذاری بر بهره‌وری و تأمین نیازهای این حوزه مهم به نظر می‌رسد. با تحقق این روند حتی کاستی‌های موجود در حوزه آموزش‌های نظری و مهارتی و نبود ارتباط لازم بین این دو بخش برطرف خواهد شد. تحقق این رویه در کنار استانداردسازی آموزش مهارت‌های تخصصی، بخشی از به‌روزرسانی چرخه مهارت به‌شمار می‌رود.

آموزش ضمن کار

آموزش‌های ضمن کار یا مهارت‌آموزی در محیط کار واقعی، نکته مؤثر دیگری در حوزه آموزش‌های تخصصی است. کارشناسان حوزه کار، ارائه آموزش‌های فنی و

ضرورت توانمندسازی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان

خبر داد. شرایط و مقتضیات امروز بازار کار در جهان به اثرگذاری مهارت برای یافتن و استمرار اشتغال، توانمندی مهارتی کارجویان دانشجو و دانش آموخته را در قالب الزام این حوزه مطرح می‌کند.

تطبیق بین آموزش‌های آکادمیک و مهارتی با نیاز بازار کار، نیازمند طراحی سازوکار برای تقویت ارتباط بین نظام اطلاعات بازار کار، نظام اطلاعات آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای و مهارتی، نظام اطلاعات صلاحیت حرفه‌ای و نظام طبقه‌بندی مشاغل است. تحقق این موضوع مستلزم همکاری و هماهنگی دستگاه‌های متولی امر آموزش و مهارت در سطوح مختلف است.»

او ادامه می‌دهد: «براساس گزارش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۷۰ دانشگاه در سطح کشور، اقدام به راه‌اندازی مرکز کاربایی و هدایت شغلی کرده‌اند. اتصال این مراکز به سامانه مذکور و توسعه هم‌افزایی آنان در تحقق مأموریت‌های محوله درباره ارائه خدمات اشتغال، به دانشجویان و دانش‌آموختگان کمک شایانی می‌کند.»

تعیین‌کنندگی مهارت کاربردی

با توجه به تغییر شاخص‌های تأثیرگذار در بازار کار و اشتغال، «مهارت» و «تخصص کاربردی» مسئله‌ای تعیین‌کننده برای کارجویان و کارفرمایان به‌شمار می‌رود. در این وضعیت، نیروی کار بدون مهارت، نمی‌تواند در گرفتن و حفظ یک فرصت شغلی موفق عمل کند. ضمن اینکه برای بالا رفتن از نردبان سلسله‌مراتب شغلی و به‌دست آوردن جایگاه بالاتر و دستمزد بیشتر، برگ برنده در دست افراد ماهر است. در یک نظام طبقه‌بندی مشاغل مدرن، مهارت جای تحصیلات و یک برگ کاغذ به نام مدرک دانشگاهی را گرفته و خود را به صدر جدول نیازمندی‌های شغلی رسانده است.

«آتی‌نو» گفت: «رابطه میان نظام آموزشی و صنعت آنچنان که باید برقرار نشده است. بسیاری از کارگران تازه وارد به بازار کار، با وجود دارا بدون مدرک دانشگاهی مرتبط، از مهارت و توانایی مورد نیاز برای حضور در بازار کار بی‌بهره‌اند و در این شرایط به‌خوبی از پس وظایف محوله برنمی‌آیند. کارفرمایان قبل از هر چیز به کارگر ماهر نیاز دارند و مدرک دانشگاهی بدون تخصص واقعی و مهارت به کار کارگاه‌ها و کارخانجات کشور نمی‌آید.»

نقش آموزش حین کار در تخصص فنی

آهنی‌ها همچنین نقش آموزش‌های حین کار را مکمل و فرعی توصیف کرد و ادامه داد: «نظام آموزشی کشور باید به‌گونه‌ای اصلاح شود که فرد در دوران تحصیلات متوسطه و بعد از آن در دانشگاه، مهارت‌های ابتدایی لازم برای مشاغل مختلف را به دست آورد. به‌عبارتی آموزش‌های حین کار باید در جایگاه تکمیلی و برای آشنایی با فناوری‌ها یا ابزارهای به‌روز به کار گرفته شود.

مهارت‌آموزی از طریق آموزش‌های آکادمیک، یک ضرورت اساسی است که می‌تواند کارجویان را به سمت فرصت‌های شغلی شایسته هدایت کند. آمار توزیعی کارجویان در سامانه جست‌وجوی شغل نشان می‌دهد که نظام آموزشی در زمینه مهارت‌آموزی و ارائه تخصص‌های فنی به نیروی جوان، چندان موفق عمل نکرده است.»

تطبیق آموزش تخصصی با بازار کار

امید ملک، مدیر کل دفتر توسعه نهادهای کارآفرینی و هدایت نیروی کار در این رابطه می‌گوید: «ایجاد

«امید ملک»، مدیر کل دفتر توسعه نهادهای کارآفرینی و هدایت نیروی کار و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۶ادی‌ما‌ز ضرورت توانمندسازی مهارتی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با رویکرد اشتغال پایدار

مهارت مهم‌تر از تحصیلات

امروزه جایگاه مهارت در نظام شغلی و بازار روابط کار بالاتر از تحصیلات یا حتی سابقه کاری است. آرمین خوشوقتی، کارشناس حقوق و روابط کار، در گفت‌وگو با «آتی‌نو» بیان کرد: «امروز در مشاغل مدرن، آنچه بیش از همه اهمیت دارد، مهارت کارگر است. کارفرمایان به‌ویژه در بخش خصوصی تمایل به جذب و استخدام نیروی کار ماهر دارند و در نقطه مقابل، اقبال برای به‌کارگیری نیروی کار تحصیل‌کرده دانشگاهی بدون مهارت کمتر است. با این شرایط در موارد بسیاری مهارت بر تحصیلات دانشگاهی ارجح است و هنگام جست‌وجوی شغل بیشتر از مدرک دانشگاهی به‌کار فرد کارجو می‌آید.»

خوشوقتی همچنین گفت: «در نظام ارزشیابی مدرن مهارت جایگاه ویژه‌ای دارد. اگر تأ پیش از این تحصیلات و سابقه معیارهای اصلی ارزشیابی شغلی بود، حال مهارت مهم‌تر از هر چیز دیگر است. در این وضعیت، میزان حقوق و دریافتی کارگر تاحدبالاتی به شاخص‌ها و توانایی‌های مهارتی نیروی کار وابستگی دارد. امروزه به دلیل ورود فناوری‌های مدرن و تخصصی شدن مشاغل، فرد بدون مهارت، شانس چندانی برای پیدا کردن شغل ندارد. ضمن اینکه ارتقای جایگاه شغلی و باقی ماندن در شغل و پیشرفت در آن نیز قبل از هر چیز به مهارت فرد بستگی دارد.»

دلیل وجود کارجویان غیرماهر

چرا بیشتر کارجویان، بدون مهارت هستند. اصغر آهنی‌ها، فعال صنفی و نماینده کارفرمایان در شورای عالی کار، مهارت‌آموزی را وظیفه نظام آموزشی دانست و به

نکته



نقش مهارت در دنیای فناوری

اصغر فیضی

معاون دفتر مهارتی‌های علمی و بین‌المللی باشگاه فنی حرفه‌ای

تحولات پرسرعت فناوری و تأثیرپذیری مناسبات بازار کار از آن، در کنار تغییرات عمده فعالیت‌های اشتغال بسیاری از بخش‌های کسب‌وکار، الزامات مهارتی جدیدی برای حضور و ماندگاری شاغلان در فضای کار تعریف کرده است. به این واسطه، نهادهای آموزشی بسیاری کشورها در حوزه‌های دانش و مهارت، تنظیم سیاست‌های کلان آموزشی مطابق با استانداردهای به‌روز فناوری را در اولویت قرار داده‌اند.

در شرایط ترسیم نشده، چگونگی هماهنگی سیاست‌های آموزش مهارت متناسب با رشد فناوری و اثرگذاری آن بر کسب‌وکار تولید را باید موضوع چالشی سیستم‌های آموزش فنی و حرفه‌ای به‌شمار آورد. در واقع سرعت پایین تحولات کسب‌وکار و رشد بالای تغییرات فناوری، موجب عدم تناسب این بسترها و ناهماهنگی مهارتی و نیاز بازار کار شده است.

هم‌گام کردن آموزش‌های دانشگاهی و فنی و حرفه‌ای با تحولات فناوری در برنامه‌های درسی و استانداردهای مهارتی را می‌توان بخشی از تلاش تصمیم‌سازان حوزه دانش و مهارت برای کاهش فاصله بین این دو شاخص محسوب کرد. اثرگذاری بسیاری از این اقدامات به موضوع «نیمه عمر مهارت» بستگی دارد. نیمه عمر مهارت به‌معنای تعداد سال‌هایی است که به‌دلیل توسعه فناوری‌های جدید، ارزش نیمی از مهارت افراد از بین می‌رود. این زمان به‌طور کلی پنج سال و در حوزه فناوری اطلاعات ۲.۵ سال برآورد می‌شود.

بر این اساس نظام‌های آموزشی برای هماهنگی با تغییرات حوزه فناوری حداقل باید در قالب برنامه‌های پنج‌ساله، به‌روزرسانی برنامه‌های درسی دانش آموزان و دانشجویان را دنبال کنند. این اقدام را باید آغاز همراهی با تحولات حوزه فناوری در فضای آموزشی دانست. همچنین لازم است به‌روزرسانی محتوای آموزشی مهارت‌آموزی و دائمی کردن توسعه فردی مربیان آموزشی در اولویت باشد. با این استدلال، یادگیری دائمی توسط سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای مختلف جهان پیگیری می‌شود. به‌عبارتی رمز ماندگاری در اشتغال یادگیری مادام‌العمر است. در این شرایط، کسب مدارک دانشگاهی و مهارتی در یک مقطع زمانی خاص جهت استمرار اشتغال در تمام عمر برای افراد کافی نیست. برآوردها بیانگر حضور افراد حداقل در شش شغل مختلف در مدت عمر کاری است و این موضوع را می‌توان ناشی از استمرار تحولات فناوری دانست. رشد فناوری در جهان، هم‌زمان چالش‌ها و فرصت‌های بسیاری خلق کرده و در این شرایط نظام‌های آموزشی و مهارتی، سازمان‌ها و افراد باید با این تغییرات تطابق داشته باشند.

کشورهای توسعه‌یافته بیش از سایر کشورها چالش‌ها و هماهنگی با تحولات مربوطه را تجربه می‌کنند. این تغییرات سریع‌تر در مناطق مذکور رخ می‌دهد. در کشورهای کمتر توسعه‌یافته به دلیل کندی ورود تکنولوژی، هماهنگی با تحولات نیز به کندی صورت می‌گیرد. این شرایط در کشورهای مذکور با وجود آسیب‌ها، زمان بیشتری برای استفاده از تجربیات دیگران فراهم می‌کند.

با وجود تحولات جهانی در حوزه فناوری، یک تغییر نحوه نگرش به ماهیت و روش‌های انجام کار رخ داده که در نتیجه همگان از این وضعیت تأثیر می‌پذیرند. با استناد به ایجاد دگرگونی حوزه‌های فناوری در کسب‌وکار، کارفرمایان در حوزه یادگیری دائم مهارت، تأثیرگذاری مستقیم دارند. به‌صورت ویژه از سال گذشته میلادی، حرکت‌های تأثیرگذاری نظیر جای گرفتن «انقلاب مهارتی» در برنامه‌های کلان انجمن جهانی اقتصاد در جهان قابل مشاهده است. بسیاری از کشورها با پیوستن به پروژه مذکور، افزایش مهارت‌های دیجیتال شهروندان را برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری می‌کنند. طرح موضوع شتاب‌دهنده‌های مهارت از سوی برخی کشورها مانند هندوستان و تأسیس وزارت مهارت و همچنین تمرکز سنگاپور به مسئله شتاب‌دهنده مهارت‌های آینده و پرداخت پارتیه مهارتی به نیروی کار و کارفرما از جمله اقدامات مؤثر در راستای تحولات جهانی حوزه مهارت محسوب می‌شوند. در مجموع، این اقدامات به توانمندی و مهارت بیشتر نیروی کار کشورها می‌انجامد و انتظار نقش آفرینی بیشتر نیروی کار ماهر در رشد بهره‌وری کسب‌وکار و تنظیم‌گری مهارتی در بازار کار را موجب می‌شود.